

بخاطر رنجهای بیکران خلقهای ستمدیده
افغانستان

مرام دموکراتیک خلق

وطن محبوب ما افغانستان، تاریخ کهن، سنن پرافتخار، نیروی انسانی و ثروتهای طبیعی فراوان دارد.

افغانستان طی قرن ۱۹ و چندین دهه یک کشور مستعمره - نیمه مستعمره و تا کنون یک کشور دارای نظام اجتماعی - اقتصادی فئودالی میباشد.

ملت ستمدیده این کشور، سخت ترین و جابرانه ترین نوع استبداد و استثمار، جهل و فقر را زیر چنگال فئودالهای حاکم محلی و مهاجمین استعمارگر بریتانیا متحمل شده اند.

قیام ملی (۱۹۱۹ ع) خلقهای افغانستان که با اشتراک تمام طبقات زحمتکش مردم صورت گرفت تسلط مستقیم استعمار کهن پایان داد و یکی از حلقه های زنجیر امپریالیزم بین المللی را درین گوشه جهان قبل از هر کشور دیگر آسیایی در هم شکست.

از آن تاریخ تا حال جهل و هفت سال میگذرد. طی این مدت، طبقات خلقهای محروم کشور و مبارزان ملی ما، مشروطه خواهان و آزادی خواهان، برای طرف نظام فئودالی (ملوک الطوائفی)، رد استبداد و ارتجاع داخلی، ریشه کن ساختن استعمار و امپریالیزم مجاهدات دلیرانه نمودند که بکمال تأسف بنابر نبودن شرایط مساعد ملی و بین المللی موقتاً مواجه بشکستهای رفت باز گردیدند و قدرت

خلق
سال تأسیس ۱۳۴۵
ناشرانیدیشه های دموکراتیک خلق

شماره ۱ و ۲ - دوشنبه ۲۲ حمل ۱۳۴۵ هـ - ۱۱ اپریل ۱۹۶۶ ع

د افغانستان د ستمدیده خلقو د اورمو
رنختونو په خاطر

د خلق دموکراتیک مرام

به خاطر رنجهای بیکران خلق های ستمدیده افغانستان

مرام دموکراتیک خلق

وطن محبوب ما افغانستان، تاریخ کهن، سنن پرافتخار، نیروی انسانی و ثروت های طبیعی فراوان دارد.

افغانستان طی قرن ۱۹ و چندین دهه یک کشور مستعمره - نیمه مستعمره و تا کنون یک کشور دارای نظام اجتماعی - اقتصادی فئودالی میباشد.

ملت ستمدیده این کشور، سخت ترین و جابرانه ترین نوع استبداد و استثمار، جهل و فقر را زیر چنگال فئودال های حاکم محلی و مهاجمین استعمارگر بریتانیا متحمل شده اند.

قیام ملی (۱۹۱۹ ع) خلق های افغانستان که با اشتراک تمام طبقات زحمتکش مردم صورت گرفت به تسلط مستقیم استعمار کهن پایان داد و یکی از حلقه های زنجیر امپریالیزم بین المللی را در این گوشه جهان قبل از هر کشور دیگر آسیایی درهم شکست.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

از آن تاریخ تا حال چهل و هفت سال میگذرد. طی این مدت، طبقات خلق های محروم کشور و مبارزان ملی ما، مشروطه خواهان و آزادی خواهان، برای طرد نظام فئودالی (ملوک الطوائفی)، رد استبداد و ارتجاع داخلی، ریشه کن ساختن استعمار و امپریالیزم مجاهدات دلیرانه نمودند که به کمال تأسف بنابر نبودن شرایط مساعد ملی و بین المللی موقتاً مواجه به شکست های رقت بار گردیدند و قدرت فئودال های فرمانروای محلی (طبقه حاکمه) و محافل حاکمه آن همچنان پابرجا ماند و تضاد اساسی بین دهقانان و فئودال ها، تضاد بین خلق های کشور و امپریالیزم را شدت بخشید.

تاریخ، رسالت حل این تضاد های اساسی را به عهده نیروهای مترقی و وطنپرست با تحقق مرام دموکراتیک خلق گذاشته است.

شرایط بین المللی و ملی:

مضمون عمده دوران معاصر محور مبارزه طبقاتی و در مقیاس جهانی همان مبارزه سوسیالیزم جهانی و امپریالیزم جهانی میباشد که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر آغاز گردیده است.

در اثر این مبارزه دو سیستم جهانی، نهضت زحمتکشان در کشور های سرمایه داری رو به استحکام میرود و جنبش های آزادی بخش ملی ملل آسیا و افریقا و امریکای لاتین توسعه می یابد.

بعد از جنگ جهانی دوم جریان عظیم و نیرومند جنبشهای آزادی بخش ملی سیستم استعماری امپریالیزم را درهم پیچید و بیش از پنجاه و سه کشور مستقل جدیداً پا به عرصه وجود گذاشت که بسیاری از آنها به شمول افغانستان در یک صف به تشکیل دولت های ملی و اتخاذ سیاست بی طرفی برای احراز استقلال اقتصادی و استحکام سیاسی خود در کوشش اند.

تغییر در تناسب قوای بین المللی به نفع صلح، دموکراسی، استقلال ملی و ترقی اجتماعی و ضعف امپریالیزم به ملل ممالک آزاد شده امکان وسیع داده تا حیات ملی خود را تجدید کنند، به استقلال اقتصادی نایل آیند و از طریق ایجاد دولت دموکراسی ملی و اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری تسلط امپریالیزم را ریشه کن سازند و نظامات و بقایای فئودالیزم را طرد کنند و پا به مرحله نوین تکامل اجتماعی بگذارند.

جریان تکامل ملل کشور های جدید التشکیل آسیایی و افریقایی مبین این حقیقت است که هم اکنون بعضی از این کشورها (مصر، الجزایر، گینی، مالی، برما و غیره) سوسیالیزم را به عنوان یک سیستم سرمشق مأخذ قرار داده اند و بر اساس راه رشد غیر سرمایه داری و ایجاد شکلی از دولت

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

دموکراسی ملی در یک دوره کوتاه آزادی نتایج درخشانی از لحاظ ارتقای سطح حیات خلق ها و رفاه و ترقی اجتماعی به دست آورده اند.

موجز اینکه با توجه به وضع مسایل بین المللی و توسعه روز افزون سیاست همزیستی مسالمت آمیز و جلوگیری از جنگ ذروی و برتری نیروهای صلح و سیستم های مترقی و نوین جهانی، بررسی اوضاع جهان نشان میدهد که جریانات بین المللی کاملاً به نفع خلق های محروم ملل کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین تغییر کرده و به خصوص برای خلق های ملت ستمدیده افغانستان امکانات واقعی آزادی از قید ارتجاع فئودالی و نفوذ عوامل استعماری و امپریالیزم را به وجود آورده است.

این وضع مساعد از نظر ملی خاصاً بعد از لویه جرگه (۱۳۳۴ هـ) که بااراده خلق های افغانستان به وجود آمد باعث تغییرات نسبی در حیات سیاسی و اقتصادی کشور گردید.

در اثر فیصله لویه جرگه، مبارزات مسالمت آمیز خلق های افغانستان بالنسبه در یک مرحله جدید از روابط بین المللی وارد شد و مشی سیاست خارجی کشور بر مبنای سیاست بی طرفی و صلحخواهی و پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز و ضدیت استعمار کهنه و نو و امپریالیزم و عدم الحاق در بلوک های نظامی مورد قبول و تایید مردم افغانستان طبق خواسته های تاریخی آنها قرار گرفت.

این خط مشی جدید افغانستان موجب آن گردید تا تعاون و کمک های بیغرضانه و متساوی الحقوق کشور های صلح دوست جلب شود و به کار انداختن نیروهای بشری و ثروت های طبیعی مملکت مطابق پلانه های انکشافی و تقویه سکتور دولتی و تأمین استقلال اقتصادی آغاز گردد و امکانات و شرایط لازم را برای ایجاد حکومت دموکراسی ملی و راه رشد غیر سرمایه داری در افغانستان تدارک بیند.

علل عمده کندی رشد قوای تولیدی و اوضاع رقت بار خلق های افغانستان که در فقر، جهل، و مرض دست و پا میزنند همانا تسلط اقتصادی و سیاسی طبقه فئودال، قشرهای تجار بزرگ محترک و کمپرادور، بوروکرات های فاسد و نمایندگی های انحصارات امپریالیستی بین المللیست که منافع طبقاتی آنها با مصالح توده های خلق افغانستان در تضاد اند.

حل این تضاد اساسیست که مرحله موجود محتوی عمده جنبش دموکراتیک عمومی و ملی افغانستان را تشکیل میدهد.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

ایجاد حکومت دموکراسی ملی به حیث یک هدف استراتژیک و به حیث یک سلاح حل این تضاد اساسی دورنمای درخشان و وسیع را در برابر ملت افغانستان که از لحاظ اقتصادی عقب مانده است افتتاح مینماید.

پایه اساسی حکومت دموکراسی ملی افغانستان متشکل خواهد بود از جبهه متحد ملی عموم خلق های ترقی خواه دموکراتیک و وطنپرست یعنی کارگران، دهقانان، منورین مترقی، اهل حرفه، خرده بورژوازی (مالکین خرد و متوسط) و بورژوازی ملی (سرمایه دار ملی) که در راه استقلال کلی، تعمیم دموکراسی در حیات اجتماعی و بپایان رساندن جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فنودالی مجاهده ملی و دموکراتیک مینمایند.

جریده خلق مرام دموکراتیک ذیل را که به اساس تحلیل علمی شرایط ملی و بین المللی تنظیم شده، و مظهر آرمانهای خلق زحمتکش افغانستان (بیش از ۹۵ فیصد نفوس مملکت) یعنی طبقه کارگر و دهقانان و منورین مترقیست به پیشگاه شان تقدیم مینماید و در راه تحقق آن مبارزه میکند.

اول: امور سیاسی

مسأله اساسی ایکه در این مرحله تاریخی خلق های افغانستان بآن مواجه اند و حل آن به فقر و عقب ماندگی که قرون متوالی دامنگیر آنهاست پایان مبخشد همانا الغاء نظام فنودالی و جلوگیری از بسط و نفوذ امپریالیزم است که با ایجاد دموکراسی ملی به صورت ذیل تحقق می یابد.

۱- دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی افغانستان و تأمین استقلال اقتصادی و حاکمیت کلی کشور عظیمترین وظیفه ملی و دموکراتیک خلق به شمار میرود.

۲- متمرکز ساختن تمام قوای دولتی در دست خلق.

استحکام حاکمیت خلق به شکل ایجاد یک حکومت دموکراسی ملی.

حکومت دموکراسی ملی از نظر ماهیت طبقاتی و ملی خود بر جمیع قدرتهای ترقیخواه دموکراتیک و ملی جامعه یعنی کارگران، دهقانان، منورین مترقی، اهل حرفه، مالکان خرد و متوسط شهری و دهاتی با اتحاد سرمایه داران ملی (به حیث یک جبهه متحد ملی) متکی بوده و منافع اساسی خلق ها را حراست و تأمین میکند.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

۳- در دموکراسی ملی عالیترین مقام قانونگذاری و مظهر اراده خلق ها، شورا است که نمایندگان تمام طبقات خلق افغانستان از طرف خودشان بر اساس انتخابات آزاد، سری، مستقیم، متساوی و عمومی بدون مداخله آشکار و مخفی و تهدید و تطمیع انتخاب میگردند.

هیأت حکومت در دموکراسی ملی از طرف شورا ایجاد گردیده و از اعمال آن دقیقانه نظارت میکند.

۴- برای تأمین استقلال قوه قضاییه و تنظیم امور قضایی و محاکماتی بر مبنای اصول دموکراتیک، به خاطر مصونیت و آزادی خلق های کشور مجاهده صورت میگیرد.

۵- استقرار دموکراسی ملی در شرایطی امکان پذیر است که خلق ها از آزادی های دموکراتیک وسیع سیاسی و مدنی برخوردار باشند:

آزادی فکر و عقیده، بیان، قلم و مطبوعات، اجتماعات، تشکیل احزاب سیاسی، اتحادیه ها، اعتصابات، تظاهرات، مسافرت، انتخاب شغل و کار و مصونیت های فردی، مسکن، مخابرات و حق دفاع در محاکم، حق انتخاب کردن برای افراد مملکت که سن ۱۸ سال را تکمیل کرده باشند، حق انتخاب شدن در تمام موسسات دموکراتیک (از جرگه های قریه گرفته تا شورا)، مساوات در مقابل قانون و محاکم و اشتغال به مشاغل دولتی.

از تمام حقوق و آزادی های دموکراتیک سیاسی و مدنی افراد منحیث وظیفه مبرم بدون تبعیض اعم از نظر جنس (زن و مرد)، نژاد، قوم، منطقه، مذهب و عقیده، سواد، شغل و دارایی جداً دفاع میگردند.

۶- با در نظر گرفتن درک علمی مسأله ملی، افغانستان مملکتی است مرکب از خلق ها و اقوام زحمتکش، دارای کلتور های متنوع ملی که مشترکاً کشور را در طی قرون متمادی تشکیل داده و در آن زیسته اند و بصورت متحد با احساس دردهای مشترک مبارزات ضد فئودالی و ضد استعماری را به پیش برده اند ولی در نتیجه سوء اداره فئودالی و سیاست های امپریالیستی و موجودیت محرومیت ها و تبعیض نه تنها همه خلق افغانستان از حقوق و آزادی های شان محروم شده اند بلکه این همه سیاست های ارتجاعی مانع بزرگی در راه تکامل اتحاد ملی خلق ها و ترقی جامعه بوجود آورده است. لذا مبارزه در راه اتحاد و همبستگی تمام اقوام زحمتکش افغانستان بر اساس تأمین منافع طبقات محروم و اصل مساوات برادرانه و مجادله همه جانبه علیه هرگونه ستم ملی اعم از تفوق طلبی قومی، نژادی، قبیله‌ای، منطوقی و تمایلات محلی که نفاق ملی را بار می آورد وظیفه ملی و مترقی حکومت دموکراسی ملی و دموکراتیک خلق بشمار میرود.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

۷- بمنظور ایجاد و استحکام اتحاد واقعی و عملی بین خلق های افغانستان سعی میگردد تا از طریق قانونی مطابق با اساس های دموکراسی بر تشکیلات اساسی مملکت از لحاظ رابطه اقتصادی، لسانی و فرهنگی تجدید نظر شود و به جرگه های محلی و واحد های تشکیلاتی کشور که بر اثر انتخابات دموکراتیک بمیان آمده باشند صلاحیت و اختیارات وسیع داده شود و برای حل مسأله زبانهای افغانستان بر مبنای اصول دموکراتیک اقدامات لازم بعمل آید.

۸- اشغالگران امپریالیست بریتانیا خط استعماری نام نهاد دیورند را در سال (۱۸۹۳ ع) بر قلمرو سیاسی افغانستان خلاف اراده خلق های آن تحمیل کرد و در نتیجه یک قسمت ساحه مملکت را از پیکر آن جدا نمود. از آن تاریخ تا کنون جنبشهای ملی ضد استعماری و امپریالیستی خلق های پشتونستان مستمر و مداوم جریان دارد. نیروهای ترقیخواه دموکراتیک خلق افغانستان به پیروی از اصل «حق تعیین سرنوشت ملل» از جنبش رهایی بخش خلق های پشتونستان پشتیبانی میکنند.

۹- نیروهای دموکراتیک خلق در ساحه مناسبات بین المللی از سیاست خارجی ذیل دفاع میکنند:

- تعقیب سیاست خارجی مستقل و فعال صلح جویانه و تائید سیاست بی طرفی مثبت با قضاوت آزاد.
- دفاع از صلح جهانی و طرفداری از سیاست همزیستی مسالمت آمیز.
- استقرار روابط دوستانه با تمام ملل صلح دوست، محافل و دوول که اغراض سیاسی، اقتصادی و مقاصد استعماری نداشته باشند و در انکشاف اقتصادی تخنیکی و فرهنگی افغانستان بر اساس تعاون و همکاری متساوی الحقوق کمک میکنند.
- تقویت و توسعه رابطه نزدیک و دوستانه با ممالک پیشرو و جریانات مترقی بین المللی که دافع صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و ضد امپریالیزم میباشند و همچنان به آن ملل آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین که در راه رسیدن باستقلال کامل ملی خود مبارزه میکنند.
- مجاهده در راه برقراری مناسبات سالم بین المللی و مخالفت در برابر کلیه بلوک های تجاوزکارانه نظامی، اتحادیه های اقتصادی، تجارتي و سیاسی اسارت آور که اغراض استعماری داشته باشند.
- مجادله برای جلوگیری از جنگ جهانی، افشای بهنگام آن حرکات و اعمال دول، محافل و ماجراجویان جنگ طلب که برای صلح خطر ایجاد میکنند و استقلال ملی سایر کشورها را تهدید و سلب می نمایند.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

- تائید سازمان ملل متحد و طرفداری از خلع سلاح عام و تام تحت نظارت کامل بین المللی.
- مبارزه علیه استعمار کهنه و نو و امپریالیزم و پشتیبانی از تمام جنبشهای آزادی بخش ملی و مترقی جهان.

دوم: امور اقتصادی

کشور ما دارای منابع فراوان طبیعی و قوای مستعد انسانی است که در صورت اتخاذ یک راه رشد مترقی با استفاده از این امکانات میتوان سریعاً سطح حیات خلق ها را از لحاظ تهیه و تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، صحت و معارف به قدر کافی ارتقا بخشید. ولی چون افغانستان از لحاظ ساختمان اقتصادی- اجتماعی در تحت نظام فنودالیزم (ملوک الطوایفی) قرار دارد و در روابط تولیدی فنودالی و ماقبل آن بر جامعه ما مسلط میباشد، فنودال ها، تجار بزرگ محترک و کمپرادور بوروکرات های فاسد، تجار و کمپانی های انحصاری امپریالیستی که تأثیر قاطع در حیات سیاسی و اقتصادی ناتوان کشور دارند سطح حیات مادی و معنوی خلق های مملکت را به وضع رقت باری عقب مانده نگهداشته، موانع بزرگی در راه رشد سریع قوای تولیدی و انکشاف اقتصادی ایجاد کرده اند که موجب استثمار بی رحمانه و ظلم بر توده های عظیم کارگران، دهقانان و سایر خلق های زحمتکش گشته است.

به منظور انکشاف اقتصادی و ترقی اجتماعی مملکت باید این وضع تغییر کند و در عوض روابط کهنه غیر عادلانه سیستم جدید اقتصاد ملی (مبنی بر روابط جدید و عادلانه) بر اساس منافع مولدین نعمات مادی جامعه یعنی توده های زحمتکش مردم استقرار یابد. بنا بر این آنچه برای دورنمای تکامل مادی و معنوی خلق های افغانستان اهمیت تاریخی و قاطع دارد تعقیب طریقی از رشد اقتصادیست که اعتلای سریع اقتصادیات و فرهنگ را تأمین نماید و افغانستان را به کشور صنعتی تبدیل کند و عقب ماندگی های قرون متمادی آنرا با حد اکثر سرعت و آهنگ رشد در دوران زندگی یک نسل جبران کند.

باین منظور ضروری است که به عنوان وظیفه بزرگ ملی و بشری تمام نیروهای ترقیخواه دموکراتیک و وطنپرستان: طبقه کارگر، دهقانان، اهل حرفه، منورین مترقی، مالکین خرد و متوسط با اتحاد سرمایه داران ملی در یک جبهه متحد ملی حکومت دموکراسی ملی را تشکیل بدهند و بر اساس راه رشد غیر سرمایه داری سیاست اقتصادی آتی را در مورد دفاع و عمل قرار دهند.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

۱- انکشاف سریع اقتصاد ملی طبق پلان دولتی و تحکیم و توسعه بیشتر سکتور دولتی، ساختمان مادی و فنی بنیاد دموکراسی ملی، انکشاف مستمر سیستم پلانگذاری دولتی و یک اداره متری اقتصاد ملی را ایجاب مینماید. وظیفه اساسی این اداره طبق پلان دولتی عبارت است از تنظیم تولید و مصرف طبق احتیاج مردم، کنترل و جلوگیری از مصارف بیمورد و غیر اقتصادی کلیه موسسات دولتی و خصوصی و اشخاص، استعمال مؤثر مواد، سامان وسایل تولیدی، تجهیز تمام نیروهای انسانی و استفاده صحیح از منابع مالی و ذخایر طبیعی کشور که دارایی عامه خلق بحساب میرود. سکتور دولتی اقتصاد که خصوصیت متری و ضد فنودالی و ضد امپریالیستی و استعمار نو را حایز است سلاحي است برای تحکیم استقلال اقتصادی و پایگاهيست برای توسعه دموکراسی و ارتقاء سطح حیات مردم زحمتکش.

در افغانستان که مناسبات و روابط کاپیتالیستی (سرمایه داری) در نطفه خود میباید تحکیم و توسعه سکتور دولتی اقتصاد کاملاً به نفع خلق بوده و از تعقیب راه رشد سرمایه داری که برای توده های مردم پر از رنج و عذاب طولانیست جلوگیری میکند.

در زمینه انکشاف صنایع ملی:

ایجاد صنایع ملی (ثقیل و سبک) و صنعتی کردن مملکت بر اساس تخنیک جدید، کلید حل همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور بشمار میرود.

۲- صنایع ثقیل که عامل عمده انکشاف سریع اقتصادیست استقلال ملی را تحکیم می بخشد. بوجود آوردن صنایع ثقیل مانند صنایع فلز سازی و ذوب آهن، پترول، گاز و برق، صنایع انجینیری و ماشین سازی، کیمیاوی و استخراج معادن و همچنان احداث راه آهن و توسعه سایر خطوط مواصلات از طریق سرمایه گذاری های دولت و تخصیص قسمت عمده قروض و کمک های خارجی درین شقوق و تمرکز آنها بدست دولت برای خلق های افغانستان اهمیت عظیم دارد.

۳- احداث صنایع سبک و استهلاکی بمقصد رفع حوائج عمومی و ارتقای سطح زندگی توده های وسیع مردم ضروری پنداشته میشود و سرمایه گذاری خصوصی در قسمت صنایع سبک از طریق سرمایه گذاری های مشترک انفرادی و دولتی بصورت جداگانه یا مختلط به رهنمایی دولت تشویق و حمایه میشود. دولت مسؤول حمایت تمام محصولات صنعتی ملی (خصوصی و دولتی) در برابر رقابت محصولات مشابه خارجی میباشد.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

۴- حمایه صنایع دستی و کمک با اهل حرفه و پیشه وران به وسیله اعطای کریدیت های کم ربح طویل المدت از راه ایجاد کوپراتیوها.

در زمینه انکشاف زراعت و اصلاحات ارضی:

نفوس افغانستان هر سال رو بافزایش است و تولیدات زراعتی با این رشد هم آهنگی ندارد. بحران دایمی در زمینه قلت مواد زراعتی و عقب ماندگی حیات دهقانی، استثمار توده های عظیم دهقانان از جمله مسایل حاد روز است.

علت عمده و اساسی این وضع تسلط طرز تولید زراعتی عقب مانده قرون وسطایی و روابط تولیدی کهنه فئودالی است که از طرفی قادر به تأمین نیازمندی های استهلاکی مردم افغانستان نیست و از طرف دیگر روز بروز تضاد بین ملاک و دهقانان را تشدید میکند.

برای ترقی اقتصادی و اجتماعی کشور و تعمیم دموکراسی و انکشاف قوای تولیدی زراعتی، حذف مناسبات تولیدی کهنه زراعتی موجود از طریق اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی شرط ضروریست.

به منظور انجام اصلاحات اساسی و دموکراتیک ارضی حکومت دموکراسی ملی ایفای اصول کلی ذیل را بر اساس مطالعات دقیق علمی مورد عمل قرار میدهد:

۵- اجرای اصلاح اساسی ارضی بر مبنای عدالت اجتماعی و با اشتراک همه دهقانان و بنفع مستقیم دهقانان کم زمین و بی زمین (بزرگان) افغانستان و وضع قوانین دموکراتیک و مترقی که جمیع نظامات و مؤسسات فئودالی را ملغی قرار دهد، استثمار و فقر دهقانان زحمتکش را از ریشه محو سازد و سطح محصولات زراعتی کشور را به میزان وسیع افزایش دهد.

۶- حمایت و کمک به زمین داران خرد و متوسط و تضمین مالکیت آنان تا از زمین های خود بصورت صحیح و کامل بهره برداری کنند و سطح حیات اقتصادی و کلتوری شان بالا برود.

۷- برای خلاصی فوری دهقانان خرد و متوسط بشمول اجاره داران و دهقانانی که زمین را به دهقانی (کشتمندی) میگیرند از گروی، قرضداری، بیگاری و عوارض و دیگر تکالیف فئودالی ملاکان و سود خوران شهر و ده قوانین و مقررات دموکراتیک وضع میشود و هرچه زودتر در ساحه تطبیق قرار

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

میگیرد. این قوانین و مقررات مناسبات و روابط اجاره داری و دهقانی را به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین بمقصد طرد مناسبات کهنه فئودالی از ریشه اصلاح می نماید.

۸- از زمینهای بایری که از طریق سرمایه گذاری دولت و کمک های خارجی آباد و تحت زرع آورده میشود فارمهای بزرگ دولتی احداث و یا به دهقانان کم زمین و بی زمین و کوچیان به اساس کوپراتیف های زراعتی توزیع میگردد.

۹- انجام اصلاحات دموکراتیک ارضی جداً ایجاب مینماید که تا نهضت و ایجاد کوپراتیف های فروش و خرید و تولید دهقانی در سراسر مملکت از طریق راهنمایی ها و نظارت دموکراتیک دولت و تشویق و بیداری دهقانان بوجود آید. بدینترتیب تأمین تمام تسهیلات لازم از قبیل افزار و ماشین آلات زراعتی، مکانیزه کردن و عصری نمودن سیستم زراعتی بمقصد بالا بردن سطح حاصل دهی کار، استعمال کود کیمیایی، تنظیم قیمت عادلانه محصولات زراعتی، تهیه بازار فروش، اصلاح تخم و دفع آفات زراعتی و کمک های علمی و فنی از طریق همکاری متقابل مؤسسات کوپراتیفی دهقانان و دولت میسر میگردد. این امور منجمله از طریق ایجاد بانک قوی زراعتی از طرف دولت بدادن تقاوی و کریدت های کم ربح طویل المدت با شرایط مساعد بعمل می آید.

۱۰- اصلاح شبکه ها و انکشاف آبیاری برای زمینهای کم آب و زمینهای بایر ذریعۀ حفر کاریزها، چاه های عمیق، کانالها و اعمار سدها و بندها از امور مهم و اولی انکشاف زراعتی مملکت بحساب میروند.

در ساحة مالداري و حیات کوچیها:

۱۱- بر اساس اصلاح دموکراتیک ارضی روابط کهنه ماقبل فئودالی شبانی برای تأمین منافع و نجات چوپانان زحمتکش از ستم مالداران بزرگ بروابط جدید تبدیل شده و بمقصد انکشاف وترنری و مالداري، تهیه و اصلاح چراگاه ها و اصلاح نسل حیوانات و دفع آفات حیوانی از طریق تاسیس کوپراتیف های مالداري ترتیبات لازم گرفته میشود.

۱۲- حل مسأله فوری کوچیها و حیات قبیلوی بشیوه دموکراتیک و اسکان و مراقبت کامل در تشویق و راهنمایی آنها بزندگانی زراعتی و صنعتی و بهبود حیات اجتماعی آنها امر ضروری انکشاف اقتصادی، ترقی اجتماعی و استقلال ملی کشور محسوب میگردد.

در ساحه اصلاح تجارت و مالیه:

یکی از عوامل ضعف اقتصادی مملکت و نفوذ استعمار جدید و امپریالیستی اینست که تجارت خارجی ما در دست عده محدودی از نمایندگان کمپنی های انحصارات خارجی و تاجران بزرگ محترک و کمپرادور داخلی و خارجی قرار دارد. اینها در بدل صدور مواد خام، اموال و اجناس غیر ضروری و غیر اقتصادی را بمقصد منفعت جویی خویش و ارضاء تفاخرات قشر های تجمل پرست وارد نموده و در نتیجه موجب اسراف، فرار سرمایه و اسعار مملکت میگردد و هم برشد صنایع ملی و استحکام استقلال اقتصادی لطمه سنگینی وارد میسازد. برای رفع این نقایص حکومت دموکراسی ملی از سیاست تجارتی ذیل پیروی میکند:

۱۳- توأم با سوق سرمایه تجاری در ساحه صنعت و توريد ماشین آلات بمقصد ایجاد و تقویه صنایع ملی و توسعه تولیدات و کنترول تجارت با سیاست گمرکی حمایتی و توسعه سیستم بارتی، تجارت خارجی ملی میگردد.

۱۴- انکشاف تجارت داخلی بمقصد استقرار بازار، توسعه و افزایش تولیدات داخلی و تثبیت قیم اموال در بازار داخلی و رفع احتیاجات عمومی از راه تنظیم تشبثات تاجران داخلی و حمایه تاجران کوچک و متوسط در مقابل تاجران بزرگ و کمپرادور.

۱۵- امور مال و بودجوی دولتی باید بروی اصول دموکراتیک و مترقی طبق مصالح خلق های محروم کشور بمقصد انکشاف اقتصادی و ترقی اجتماعی اصلاح گردد و بار سنگین مالیات غیرمستقیم از دوش مردم برداشته شده و به مالیات مستقیم اهمیت درجه اول داده شود و از طبقات دارا و ثروتمند بر اساس عدالت اجتماعی مالیات اخذ گردد.

سوم: امور اجتماعی

ملت آزادیخواه افغانستان ۴۷ سال قبل به استقلال سیاسی نایل آمد ولی نهضت های مردم آن به مقصد رفاه و ترقی اجتماعی و تأمین آزادی های دموکراتیک بنا بر عوامل ارتجاع و استبداد داخلی و توطئه و دسایس امپریالیزم بین المللی با شکست های توأم با قربانی های فراوان مواجه شد. از آن تاریخ تا کنون خلق های زحمتکش کشور یعنی کارگران، دهقانان و منورین ترقیخواه از نظر اقتصادی و اجتماعی تحت ستم و فشار طبقات حاکمه فئودالی، تجارتی و بوروکراتیک همچنان در شرایط دشواری زندگی میکنند. شاخص سطح زندگی خلق های پر استعداد افغانستان پائین ترین سویه حیات

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

را در قطار ملل جهان نشان میدهد و بنا بر سیاست های ارتجاعی و استبدادی کارگران و دهقانان از حق تشکیل ارگان های نشراتی، اتحادیه ها، احزاب سیاسی و اعتصابات که سلاحهای دفاع حقوق و منافع طبقاتی، اجتماعی و فرهنگی آنان به شمار میرود محروم اند. قوانین ترقی و تکامل اجتماعی حکم میکند که باید هرچه زودتر این وضع تغییر کند و مناسبات جدید بر اساس تطبیق پروگرام اصلاحی ذیل برقرار شود:

۱- بر مبنای اصل حق کار برای تمام افراد مستعد بکار با تعیین و اخذ حد اقل دستمزد و معاش که رفع نیازمندی های لازمی مادی و معنوی آنان را کرده بتواند کار تهیه گردد. تأمین حق کار و از بین بردن بیکاری صرف از طریق تعویض مناسبات تولیدی کهنه به مناسبات جدید که منجر به رشد سریع قوای تولیدی کشور میگردد امکان پذیر میباشد.

۲- بمقصد تأمین مصونیت کارگران و شرایط مساعد کار و تحصیل حقوق عمومی وضع و اجرای قوانین و مقررات آتی ضروری است:

- حق استراحت از طریق اجرای ۴۲ ساعت کار در هفته برای شعب مختلف کارگران و تقلیل باز هم بیشتر ساعات کار در رشته های که شرایط اجرای آن سخت و دشوار بوده و به کارگران لطمه روحی و جسمی وارد میکند. جهت تکمیل حق استراحت برقراری مرخصی های همه ساله با استفاده از دستمزد به کارگران تأمین گردد.

- برای همه زحمتکشان در حالت پیری، بیماری و معیوبیت ناشی از حوادث کار، بیمه های صحی و اجتماعی از طرف دولت و به حساب دولت یا مؤسسات مربوط بوجود آید.

- باید کار اطفالیکه کمتر از ۱۵ سال دارند منع قرار داده شود. و برای زحمتکشان که سن آنها بین ۱۵ و ۱۸ سال دارند روز کار تا ۴ ساعت پایان آورده شود.

- مبارزه در راه به رسمیت شناختن حقوق و تطبیق قوانین که در اثر آن کارگران و تمام زحمتکشان به منظور دفاع از منافع و حقوق خود و بمقصد تربیه روحیه تشکیلاتی و از حق اعتصاب و انعقاد قرارداد دسته جمعی بهره مند شوند.

- برای حل اختلافات میان کارگران و کارفرمایان و مراقبت در اجرای صحیح قانون کار محاکم بیطرف تشکیل گردد که در آن نمایندگان کارگران اشتراک داشته باشد.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

۳- اعمار منازل صحتی و ارزان برای تمام طبقات و قشر های محروم در شهرها و دهات امر ضروری بشمار میرود، همچنان اقدام برای پایین آوردن کرایه ظالمانه منازل، دکان ها و غیره برای کرایه نشینان شهرها نیز ضروری تلقی میگردد.

۴- در زندگی نوین و دموکراتیک افغانستان زن افغان در کلیه شئون حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از نظر حقوق با مرد مساوی شمرده میشود و امکان تطبیق حقوق و آزادی زنان از طریق تشکیل اتحادیه های دموکراتیک از طرف خود زنان و از بین بردن تبعیض بین زن و مرد در ساحه کار بر اساس اصل دستمزد و معاش مساوی در مقابل کار مساوی، بیمه اجتماعی، حق استراحت و دادن ۸۰ روز مرخصی با معاش و دستمزد قبل و بعد از ولادت و حفظ صحت اطفال و مادران از طریق تأسیس زایشگاه ها، کودکستان ها و حق تعلیم و دیگر حقوق تأمین شده میتواند.

۵- بمنظور اینکه دستگاه اداری دولت طبق منافع یکی دو طبقه و قشر های ممتاز کوچک جامعه بکار برده نشود مصالح عالییه طبقات عظیم خلق های دهات و شهرهای کشور ایجاب مینماید که این دستگاه اداری روی واقعیت های اجتماعی و علمی اصلاح گردد.

برای تحقق بخشیدن باین منظور بحیث وظیفه فوری علیه جمیع فساد اداری، خودسری ها و بی قانونی و بی دیسپلینی، ارتشاء، شیوه های کاغذ پرانی و معطلی عمدی کارهای مردم و استبداد مبارزه بعمل می آید.

برای تهیه زندگی شرافتمندانه و شایسته معلمان، مامورین، اجیران، مستخدمین دولت و موسسات تدابیر مؤثر اتخاذ میگردد.

۶- در راه تشکیل محاکم ملی بمنظور محاکمه و مجازات اشخاص و ماموران عالیرتبه که بحقوق و آزادی های فردی و اجتماعی خلق های مملکت تجاوز نموده اند و ثروت و جایداد های زیاد نامشروع از اموال دولت و خلق به دست آورده اند، مجاهده میگردد.

۷- بمقصد تشکیل محاکم سیاسی صالح، علنی و بیطرف و دموکراتیک و اصلاح زندان های سیاسی با تمام حقوق سیاسی آن و همچنان برای اصلاح محابس عمومی مبارزه میگردد.

۸- در راه تعدیل و تعویض تمام قوانین و مقرراتی که ضد مصالح خلق ها و ضد دموکراتیک باشد مبارزه قانونی بعمل آید.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

۹- حفظ و بهبود دایمی صحت و سلامتی تمام خلق ها بصورت مجانی بعهده دولت میباشد. برای این منظور دولت موظف است که پروگرام های عملی و وسیع صحتی در زمینه وقایه مردم از امراض و تقلیل قطعی ناجوریهها و ریشه کن ساختن امراض میکروبی و ساری طرح و اجرا کند. برآوردن احتیاجات تمام اهالی شهرها و دهات و کوچیان و قبایل کشور از نظر خدمات صحتی از طریق تربیت کارکنان طبی بتعداد کافی و تهیه وسایل عصری باندازه لازم و توسعه مؤسسات مجانی و عمومی، ایجاد مؤسسات صحتی از قبیل پولی کلینیک ها، شفاخانه ها، سناتوریم ها و آسایشگاه ها و تبلیغات صحتی در اطراف و اکناف مملکت ضرور است.

۱۰- علیه ارتجاع و نشر خرافات، اعتیاد به تریاک، چرس، الکل، فحشا و دیگر مفاسد اخلاقی که معلول شرایط نا متناسب وضع اجتماعی و اقتصادی است مبارزه همه جانبه بعمل می آید.

چهارم: امور کلتوری

انتقال از مرحله عقب افتاده فئودالی بیک مرحله جدید اجتماعی مترقی مستلزم تربیت و تعلیم مترقی و عصری تمام خلق های مملکت میباشد. طبقات حاکمه ارتجاعی فئودالی و عوامل استعماری و امپریالیستی پیوسته کوشیده اند تا در برابر توسعه و ترقی فرهنگ پسندیده ملی خلق های کشور و انتشار کلتور مترقی و علمی جهان در داخل مملکت موانع بزرگی ایجاد کنند تا باین وسیله از تکامل اجتماعی و اقتصادی مردم به نفع خود جلوگیری بعمل آورند.

با درک این مسئله که فرهنگ و کلتور جدید افغانستان ملی، خلقی و دموکراتیک خواهد بود در راه تطبیق پروگرام اصلاحی زیر بمقصد تجدید حیات فرهنگی و انقلاب فرهنگی کشور و تکامل آن جد و جهد میشود:

۱- تعمیم و اجرای تعلیمات اجباری همگانی و مجانی ابتدایی بزبان مادری فرزندان کشور در سرتاسر مملکت بعد از سن ۷ سالگی (پسر و دختر) بدون تبعیض.

۲- علمی ساختن تعلیمات اجباری و مجانی متوسط بنحویکه شاگردان مبادی علوم را فرا گیرند و تعلیمات عملی در ساحه های صنایع دستی و زراعت و فن تولیدات را اخذ نمایند.

۳- برای شاگردان تمام مناطق و خلق های زحمتکش زمینه تعلیمات مسلکی و ثانوی و عالی و تخصص از طریق مدد معاش و ایلیه ها مهیا میشود. در زمینه توسعه پوهنتون ها و مؤسسات تحقیقات علمی و کمک به دانشمندان، نویسندگان و هنرمندان، حفظ آثار تاریخی انکشاف حفریات و موزیم ها،

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

تأسیس کتابخانه ها و توسعه روابط فرهنگی بین المللی با کشورهای صلح دوست و مترقی اقدام میشود.

۴- جهاد عمومی علیه بیسوادی در سرتاسر کشور صورت میگیرد.

۵- برای تربیت بدنی و ذهنی نسل جوان میدانها و کلب های سپورت، قرائت خانه ها، اطاق های کنفرانس و حق تشکیل آزاد اتحادیه های محصلان و جوانان تعمیم میگردد.

اصول اخلاقی و معنوی از قبیل وفاداری به آرمانهای صلح، دموکراسی ملی، استقلال ملی، رفاه و ترقی اجتماعی و عشق و احترام به خلق های زحمتکش و وطن، آشتی ناپذیری با ارتجاع، استبداد و بی عدالتی، استثمار، استعمار و امپریالیزم و جنگ طلبی و دشمنان خلق و دشمنان مفاهیم مترقی ملی و جهانی بین شاگردان و محصلان و جوانان که سرمایه زوال ناپذیر و خلاق کشور اند تبلیغ و ترویج میگردد.

۶- بمقصد انکشاف زبان پشتو و کلتورهای خلق ها و اقوام مختلف مملکت و غنای فرهنگ ملی افغانستان و بمنظور ترقی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خلق های آن حصص و ولایات مملکت که عقب گذاشته شده اند تدابیر جدی و عملی اتخاذ میگردد. برای تربیه و بیداری شعور اجتماعی خلق ها بسط و توسعه مطبوعات و نشرات دموکراتیک و آزادی اطلاعات، سینما ها، تئاتر ها، نشرات مترقی رادیویی در نقاط مختلف مملکت ضروریست. هر گاه بعضی از محافل و افراد متنفذ بخواهند این وسایل تربیتی عمومی را بمنظور نشر خرافات، نفاق ملی، تقویه فنودالیزم و بسط نفوذ امپریالیزم استعمال نماید بی درنگ افشا خواهند شد.

در نهایت ما در حالیکه ارزشها و اهداف دموکراتیک قانون اساسی را حمایت میکنیم و درین مرحله تاریخی برای ایجاد حکومت دموکراسی ملی و تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری بر اساس ایدئولوژی مترقی و جهان بینی علمی بشیوه مسالمت آمیز و علنی مجدانه مبارزه میکنیم هیچگاه مسئولیتهای عظیم خود را در پیشگاه خلق نجیب افغانستان عزیز از یاد نبرده و نظر خود را از غایه نهایی و دورنمای تکامل اجتماع خویش که ساختمان یک جامعه سوسیالیستی است دور نخواهیم رفت. از تمام نیروهای ترقی خواه دموکراتیک، از تمام وطنپرستان و فرزندان صدیق وطن، از با شهامت ترین مدافعان منافع خلق های ستمکش و محروم دعوت میگردد که در صفوف جریان دموکراتیک خلق بیوندند و در راه تطبیق این مرام مبارزه پیگیر و پرافتخار نمایند.

بخاطر رنجهای بیکران خلقهای ستمدیده
افغانستان

مرام دموکراتیک خلق

وطن محبوب ما افغانستان، تاریخ کهن، سنن پرافتخار، نیروی انسانی و
ثروتهای طبیعی فراوان دارد.

افغانستان طی قرن ۱۹ و چندین دهه یک کشور مستعمره - نیمه مستعمره و
تا کنون یک کشور دارای نظام اجتماعی - اقتصادی فیودالی میباشد.

ملت ستمدیده این کشور، سخت ترین و جابرانه ترین نوع استبداد و استثمار،
جهل و فقر را زیر چنگال فیودالهای حاکم محلی و مهاجمین استعمارگر بریتانیا
متحمل شده اند.

قیام ملی (۱۹۱۹ ع) خلقهای افغانستان که با اشتراک تمام طبقات زحمتکش
مردم صورت گرفت بتسلط مستقیم استعمار کهن پایان داد و یکی از حلقه های
زنجیر امپریالیزم بین المللی را درین گوشه جهان قبل از هر کشور دیگر آسیایی
در هم شکست.

از آن تاریخ تا حال جهل و هفت سال میگذرد. طی این مدت، طبقات خلقهای
محرور کشور و مبارزان ملی ما، مشروطه خواهان و آزادی خواهان، برای طرف
نظام فیودالی (ملوک الطوائفی)، رد استبداد و ارتجاع داخلی، ریشه کن ساختن
استعمار و امپریالیزم مجاهدات دلیرانه نمودند که بکمال تأسف بنابر نمودن شرایط
مساعده ملی و بین المللی موقتاً مواجهه بشکستهای رفت باز گردیدند و قدرت



شماره ۱ و ۲ - دوشنبه ۲۲ حمل ۱۳۴۵ هـ - ۱۱ اپریل ۱۹۶۶ ع

د افغانستان د ستمدیده خلقو د اړومو
رنځتونو په خاطر

د خلک دموکراتیک مرام

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©2006Esalat

www.esalat.org

www.esalat.org